



امروز توی مدرسه‌ی پرنده کوچولوها روز مهمی بود.

امروز همه‌ی پرنده‌ها پرواز کردن را یاد گرفتند!

آن‌ها از شاخه پریدند، بال‌هایشان را باز کردند و پرواز کردند.

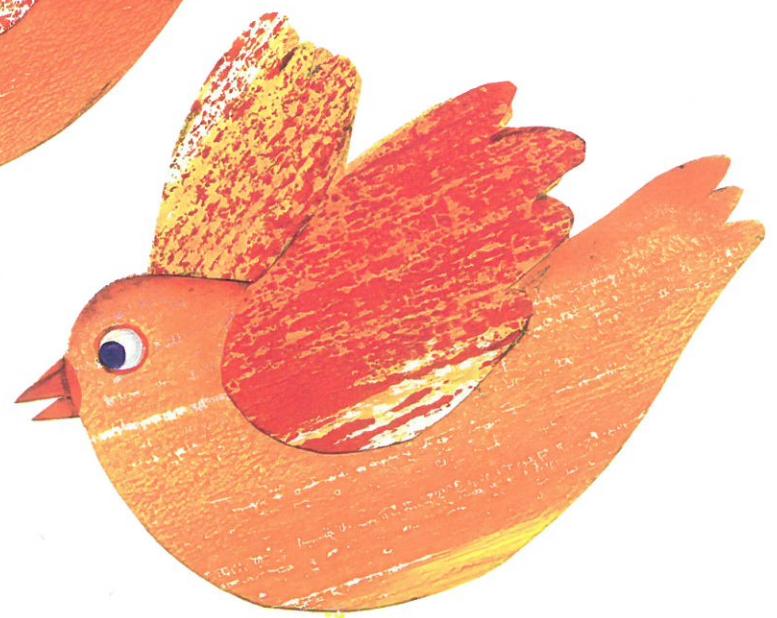
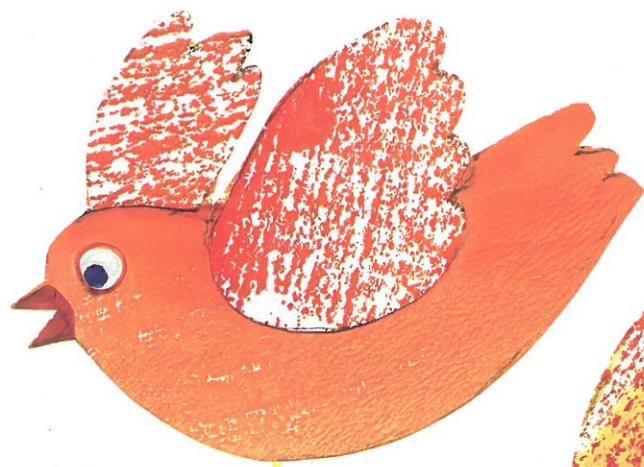
اولین پرنده، طرقه بود. خودش را به آسمان پرتاپ کرد و فریاد زد:

«هورا!!! چقدر باحال است.»

بعد نوبت سینه‌سرخ بود: «یوهوووووو چقدر خوش می‌گذرد.»

بعد گنجشک: «هییییی چه باحاللله!»

و بعد قناری و چلچله و مرغ مگس‌خوار.





لاکپشت که برای پیاده روی بیرون آمده بود زیر درخت ایستاد  
و جغد کوچولو را دید که روی شاخه نشسته و غمگین است.  
از او پرسید: «سلام جغد کوچولو. چرا به جای این که با بقیه‌ی پرندگان  
پرواز کنی اینجا نشسته‌ای؟»  
جغد کوچولو جواب داد: «چون خیلی از افتادن می‌ترسم.»  
لاکپشت گفت: «بی‌خیال. یک کمی که تمرین کنی موفق می‌شوی.»  
ولی جغد کوچولو سرش را تکان داد و گفت:  
«نهنه! من هیچ وقت موفق نمی‌شوم!»

